

آسیب‌شناسی مدارس در تجربه زیسته دانش‌آموزی از دیدگاه دانشجویان

مژده علیزاده^۱، سید حمیدرضا علوی^۲

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۷

چکیده


هدف: هدف از پژوهش حاضر بررسی آسیب‌شناسی مدارس در تجربه زیسته دانش‌آموزی از دیدگاه دانشجویان بود.


روش‌شناسی: روش پژوهش کیفی و از نوع پدیدارشناسی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه دانشجویان کارشناسی دانشگاه شهید باهنر کرمان با تعداد ۱۰۴۴۰ نفر در سال ۱۳۹۹-۴۰۰ بود که از میان آنها ۱۸ نفر طبق اصل اشباع نظری با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود. روایی مصاحبه از طریق دقت در مطرح کردن سؤالات، بکار نگرفتن نظرات شخصی محقق در مصاحبه و تأیید مشارکت‌کنندگان از فهم صحیح محقق از تجارب آنها حاصل گردید. روایی سؤالات مصاحبه توسط اساتید صاحب‌نظر در حوزه تعلیم و تربیت تأیید گردید. به منظور تأیید پایایی نیز میزان توافق از طریق ضریب همبستگی پیرسون ۹۶٪ محاسبه شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون استفاده شد.

یافته‌ها: مطابق با یافته‌های پژوهش آسیب‌های ناشی از مدارس در چهار مضمون اصلی آموزشی، تربیتی، تعاملی و محیطی-فیزیکی، ۱۲ مضمون فرعی و ۲۷۴ کد اولیه جای گرفتند. مضمون اصلی آموزشی، شامل چهار مضمون فرعی ضعف در روش‌های تدریس، ضعف در محتوا، ضعف در نظام ارزشیابی و ضعف در صلاحیت‌های حرفه‌ای عوامل انسانی مدرسه؛ مضمون اصلی تربیتی، شامل دو مضمون فرعی ضعف در روش‌های تربیتی و ضعف در تربیت دینی به طور خاص؛ مضمون اصلی تعاملی، شامل مضامین فرعی مرتبط با تعامل عوامل انسانی مدرسه با دانش‌آموز و مضمون اصلی محیطی-فیزیکی، شامل دو مضمون فرعی فضای حاکم بر مدرسه و ارائه امکانات و تجهیزات می‌شدند. علت‌های بروز آسیب‌ها شامل ضعف در سیستم‌گزینش معلمان و مدیران، نبود برنامه‌ریزی دقیق و جامع و موارد دیگر بودند. پیامدهای ناشی از آسیب‌ها نیز شامل مدرسه‌گریزی، احساس اضطراب نسبت به مدرسه، کاهش انگیزه پیشرفت و موارد دیگر بودند.

بحث و نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج پژوهش حاضر آسیب‌های چهارگانه آموزشی، تربیتی، تعاملی و محیطی-فیزیکی باعث ناکارآمدی و ضعف‌های اساسی در نظام تعلیم و تربیت شدند که نیاز به اقدام جدی جهت رفع آنها و بهبود وضعیت نظام آموزشی است. نتایج پژوهش حاضر می‌تواند زمینه‌بازنگری و ایجاد تغییرات اساسی در نظام تعلیم و تربیت را فراهم آورد.

واژگان کلیدی: آسیب‌شناسی، مدارس، دانشجویان، تجربه زیسته

^۱ دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، بخش علوم تربیتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران. (نویسنده مسئول). 

^۲ استاد فلسفه تعلیم و تربیت، گروه علوم تربیتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهیدباهنر، کرمان، ایران. 

مقدمه

مدارس از جمله مکان‌هایی هستند که کودکان و نوجوانان مخصوصاً در سنین حساس زندگی خود باید خواه ناخواه بخشی از مهم‌ترین و بهترین سال‌های عمرشان را در آنجا بگذرانند. این مهم می‌رساند مدارس باید از هر جهت فراهم‌کننده فضایی پرتحرک، شاد، جذاب و محیطی امن برای دانش‌آموزان باشند تا نه تنها امر یادگیری مطلوب‌تر انجام شود بلکه سلامت جسمانی و روانی آنها هم تضمین شود (Main & Marques, 2021). مدارس علاوه بر آنکه از عناصر اصلی تمدن‌سازی محسوب می‌شوند نقش اساسی در تحکیم هویت و ایجاد حس وطن‌دوستی و فرهنگ‌سازی در دانش‌آموزان و از طرف دیگر نقش مهمی در توسعه پایدار و پیشرفت‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، علمی و فناوری در جامعه نیز دارند. لذا باید توجه کرد دست یافتن به تمامی موارد فوق مستلزم داشتن مدرسی کارآمد، اثربخش و با کیفیت است (Koc & Bastas, 2019).

مطابق با نتایج پژوهش‌ها کیفیت مدارس نقش مهمی در رشد و پیشرفت دانش‌آموزان دارد. هر چه کیفیت مدرسه بیشتر باشد رشد و پیشرفت دانش‌آموزان هم افزایش می‌یابد (Bernal & Qureshi, 2016). مدارس با کیفیت و مطلوب تنها به موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان کمک نمی‌کنند بلکه سایر مهارت‌های اصلی زندگی چون ارتباط سالم با دیگران، موفقیت مادام‌العمر و خودشکوفایی دانش‌آموزان را نیز بهبود می‌بخشند (Sezar & Can, 2020). مدارس مطلوب با فراهم کردن شرایط بهینه برای دانش‌آموزان نیازهای اساسی آنها را برآورده می‌کنند، عمل مطلوب آنها را تشویق می‌کنند، روابط مثبت بین فردی را افزایش می‌دهند و خواهان رساندن دانش‌آموزان به بالاترین نقطه شکوفایی هستند (Lee, 2012). بنابراین سیاست‌های آموزشی در هر جامعه‌ای باید به سمت رفع چالش‌های موجود در مدارس و بهبود و توسعه آنان حرکت کنند. این امر یکی از بزرگترین چالش‌های موجود در جهان است (Yeigh, et al, 2021). به خصوص از زمان اعلام سازمان یونسکو در سال ۲۰۰۴ مبنی بر افت نظام‌های آموزشی تلاش برای دستیابی به کیفیت آموزشی و اطمینان از دستیابی دانش‌آموزان به نتایج مطلوب یادگیری و کسب ارزش‌ها و مهارت‌هایی که به آنها کمک کند تا در جوامع خود نقش مثبتی داشته باشند در دستور کار کشورها قرار گرفت (UNESCO, 2005).

بسیاری از کشورها تلاش‌های شگرفی در توسعه مداخلات آموزشی انجام داده‌اند. انگیزه آن تلاش در جهت بهبود نتایج دانش‌آموزان و کیفیت آموزش بود. اگر چه برخی از این مداخلات آموزشی موفقیت‌آمیز بودند اما اکثر مداخلات آموزشی به ویژه در بسیاری از کشورهای در حال توسعه با شکست روبرو بوده‌اند (Garira, 2020). کشور ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. تاکنون شواهد آشکاری از نارسایی کیفیت مدارس کشور در هدایت رشد همه جانبه دانش‌آموزان و اثربخش نبودن نظام آموزشی حکایت می‌کنند (Pahang, Mahdiyoon & Yarigholi, 2017) با وجود اینکه بیش از چهار دهه از انقلاب اسلامی می‌گذرد اما متأسفانه مدارس کشور دچار ضعف‌ها و نقص‌های جدی هستند، هر چند تحقیقات زیادی هم در این زمینه انجام می‌شود و احساس عمومی نیز مهر تأیید بر آن می‌زند اما چندان کوششی در جهت رفع مشکلات مدارس انجام نمی‌شود. در حالی که سرمایه‌گذاری و بهبود شرایط مدارس که وظیفه تعلیم و تربیت نسل آینده کشور را بر عهده دارد در اصل سرمایه‌گذاری برای رشد و پیشرفت کشور است (Khorshidi, 2013).

آسیب‌شناسی اولین بار در علم پزشکی به کار رفته است. در علم پزشکی آسیب‌شناسی به معنای فرآیند علت‌یابی بیماری‌ها است. آسیب‌شناسی تربیتی به معنای شناخت ضعف‌ها و موانع در تعلیم و تربیت است که راه رسیدن به اهداف را با مشکل مواجه کرده است. هدف اصلی آن شناخت موانع و رفع آنها است (Khorshidi, 2013). رفع نکردن آسیب‌های موجود در تعلیم و تربیت از جمله مدارس می‌تواند عوارض بلند مدتی را برای دانش‌آموزان به بار آورد که هر چه زودتر باید مورد درمان قرار گیرند. مدیریت و درمان این آسیب‌ها نیاز به آگاهی و شناخت آنها دارد (Elbedour, et al, 2020).

در سال‌های اخیر تحقیقات متعددی در باب نظام تعلیم و تربیت توسط محققان انجام شده است و هر یک به نوعی از نقاط قوت و ضعف و کاستی‌های این نظام نتیجه‌گیری‌هایی کرده‌اند. از جمله Darvishi, et al (2018) آسیب‌های ناشی از عوامل مؤثر در پرورش شایستگی‌های شهروندی دانش‌آموزان را ناشی از سیاستگذاری، گسیختگی و نابسامانی نظام برنامه‌ای، مدیریت ناکارآمد مدارس و جریان غیر اثربخش کلاس درس نتیجه گرفتند. تحقیق Abdoli, et al (2015) نشان داد از نظر دبیران

بیشترین میانگین وجود ضعف در روش‌های تدریس، اهمیت ندادن معلم به مهارت‌های عملی تدریس و پایین بودن سطح علمی و حرفه‌ای معلمان است. (Bashiri (2016) در تحقیق خود با عنوان آسیب‌شناسی مسائل و مشکلات تجهیزات و فناوری مدارس منطقه ۱۲ شهر تهران از دیدگاه معلمان و مدیران به این نتیجه رسید میان وضعیت مطلوب و موجود در زیرساخت و تجهیزات و امکانات فیزیکی این مدارس اختلاف معناداری وجود دارد. (Bazargan & Lavasani (2003) در پژوهش خود دریافتند در مدارس اعمال خشونت بدنی هم از سوی معلمان و هم دانش‌آموزان گزارش می‌شود. از نظر دانش‌آموزان واکنش مسئولین مدرسه به خشونت بدنی معلمان نسبت به دانش‌آموزان بی‌توجهی و بی‌تفاوتی و پشتیبانی از آنها است و یا خود دانش‌آموز شاکای را تشبیه می‌کنند. (Sibel & Gomleksi Noori (2018) در مقاله خود با عنوان دیدگاه دانش‌آموزان پناهنده در مورد مشکلات مدارس ترکیه به این نتیجه رسیدند که مواردی چون آموزش، محتوای دوره، عدم پشتیبانی خانواده، قوانین فرهنگی مدارس و ضعف در روش‌های معلمان از مشکلات این دانش‌آموزان است. (Sezar & Can (2020) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که نیاز به تغییراتی جهت افزایش شادی در مدارس وجود دارد و از نظر دانش‌آموزان این تغییرات باید در زمینه محیط مدرسه و یادگیری و افزایش امکانات باشد. (Nearchou (2018) در تحقیق خود در یونان گزارش داد حداقل ۶۴٪ از مشارکت‌کنندگان دانش‌آموز تجربه سوءرفتار عاطفی چون تحقیر، تهدید و خشونت کلامی از طرف معلم خود را گزارش دادند. با مطالعه پیشینه پژوهش محرز گردید چند خلأ در این زمینه وجود دارد، از جمله اکثر پژوهش‌های انجام شده در این زمینه با روش کمی انجام شده‌اند. همچنین اکثر پژوهش‌های قبلی از دیدگاه متخصصان، معلمان و یا دانش‌آموزان انجام گرفته‌اند. در حالی که دانش‌آموزان تا زمانی که در مدرسه هستند آگاهی و اشراف کامل به موضوع ندارند، ضمن اینکه ممکن است به دلیل نگرانی از عواقب سخنان خود از گفتن واقعیت ابا کنند. خلأ دیگر نیز این است که تاکنون پژوهشی که به طور کامل و جامع و با موشکافی عمیق به بررسی آسیب‌شناسی مدارس در تمامی ابعاد بپردازد انجام نشده است که در پژوهش حاضر سعی بر این امر شده است. لذا پژوهش حاضر در صدد بود که با واکاوی در تجارب زیسته دانش‌آموزی از دیدگاه دانشجویان آسیب‌هایی که در مدارس وجود داشتند و سبب ایجاد اختلال در روند یک تعلیم و تربیت صحیح و اثربخش شدند را مورد بررسی قرار دهد.

روش شناسی

پژوهش حاضر از جهت هدف بنیادی و از جهت شیوه اجرا پدیدارشناسی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه دانشجویان کارشناسی دانشگاه شهید باهنر کرمان با تعداد ۱۰۴۴۰ نفر در سال ۱۳۹۹-۴۰۰ بودند. نمونه پژوهش ۱۸ نفر بود. برای تعیین تعداد نمونه‌ها از اصل اشباع نظری استفاده شد، به این معنی که محقق با رسیدن به نفر ۱۳ مشاهده کرد داده‌ها به حد اشباع رسیده‌اند و به عبارت دیگر اطلاعات جدیدی از سوی مشارکت‌کنندگان داده نمی‌شد، اما برای اطمینان بیشتر مصاحبه را با ۵ نفر دیگر ادامه داد. روش نمونه‌گیری هدفمند بود. ملاک‌های ورود به مطالعه عبارت بودند از: ۱- گذشت فاصله زمانی یک تا پنج سال از دوران تحصیل در مدرسه ۲- رضایت و علاقه‌مندی کامل به مصاحبه کردن ۳- توانایی صحبت کردن در مورد مسئله مورد نظر. ملاک‌های خروج نیز عبارت از: ۱- عدم تمایل فرد به همکاری در فرایند مصاحبه ۲- خروج از مصاحبه به دلیل پیش آمدن مشکلی ۳- نداشتن همکاری مناسب بودند.

به منظور انجام مراحل پژوهش در مرتبه نخست سؤال‌های پژوهش با توجه به چند معیار از جمله ماهیت موضوع که آسیب‌شناسی بود (زیرا در آسیب‌شناسی با چهار بخش اساسی از جمله خود آسیب‌ها، پیامدهای آن، علت‌های بروز آسیب‌ها و راه‌های درمان روبرو هستیم)، عدم جهت‌دهی به ذهن مشارکت‌کننده و مشورت با اساتید همکار در پژوهش که در زمینه تعلیم و تربیت صاحب تألیفات متعددی بودند، مطرح شدند. سؤالات به این شرح بودند: با توجه به تجربه خود از دوران مدرسه آسیب‌های موجود در مدارس را در چه مواردی می‌دانید؟ اگر این آسیب‌ها پیامدهایی بر شما داشتند آن پیامدها چه بودند؟ با توجه به تجارب خود از آن دوران علت‌های بروز این آسیب‌ها چه بودند؟ زمانی که مشارکت‌کننده پاسخ می‌داد، محقق برای روشن‌تر شدن پدیده مورد نظر از او سؤال‌های جزئی‌تری همانند می‌شود بیشتر در این مورد توضیح دهید یا می‌شود مثال بزنید، چگونه و چرا نیز می‌پرسید.

ابزار جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود. روایی مصاحبه از طریق دقت در مطرح کردن سؤالات، کنترل پیوسته اطلاعات، بکار نرفتن نظرات شخصی محقق در مصاحبه و تأیید مشارکت‌کنندگان از فهم صحیح محقق از تجارب آنها حاصل گردید. سؤالات مصاحبه به روایت چند نفر از اساتید صاحب‌نظر در حوزه تعلیم و تربیت رسانده شد و تأیید آنها گرفته شد. برای برآورد پایایی نیز ابتدا مصاحبه مقدماتی با ۳ دانشجو انجام شد تا با توجه به پاسخ‌ها، نظرات و بازخورد آنها اصلاحات لازم در سؤالات انجام شود. پس از اطمینان یافتن از مطلوب بودن بازخوردها، مصاحبه‌های بعدی انجام شد. همچنین پس از گذشت زمانی یک ماه از کدگذاری متون مصاحبه، ۵ متن به عنوان نمونه انتخاب شده و مورد کدگذاری مجدد قرار گرفتند و درصد توافق درونی که نشانگر پایایی پژوهش بود با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون ۹۶٪ محاسبه شد. برای انجام مصاحبه با مراجعه به دانشگاه و انتخاب نمونه توضیحات لازم درباره انجام پژوهش و محرمانه بودن اطلاعات به هر یک از مشارکت‌کنندگان داده شد. سپس در صورت موافقت آنها و ملاحظات اخلاقی، مصاحبه در مکانی که مشارکت‌کننده حضور داشت انجام شد. در فرآیند مصاحبه در صورت موافقت هر یک از مشارکت‌کنندگان محتوای مصاحبه ضبط می‌شد، البته محقق نیز به نگارش بیانات مشارکت‌کننده می‌پرداخت. مدت زمان هر مصاحبه بین ۵۰ تا ۷۵ دقیقه بود. به منظور محرمانه بودن اطلاعات نیز به هر یک از مشارکت‌کنندگان یک کد اختصاص داده شد و اطلاعات تنها از طریق کدها تحلیل شدند.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون با استفاده از روش کلایزی استفاده شد. بدین شکل که ابتدا کلیه متون مصاحبه به طور دقیق خوانده شدند، سپس استخراج کدها، دسته‌بندی کدهای مشترک، استخراج مضامین فرعی و در نهایت کشف مضامین اصلی صورت گرفت.

یافته‌های پژوهش

در جدول شماره ۱ اطلاعات جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان در پژوهش ارائه شد.

جدول ۱. فراوانی اطلاعات جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان

متغیر	طبقه	فراوانی	درصد	درصد
جنسیت	زن	۱۰	۵۵٪	
	مرد	۸	۴۵٪	
سن	۲۰-۱۸	۶	۳۳/۳	
	۲۲-۲۱	۹	۵۰٪	
	۲۴-۲۳	۳	۱۶/۶	
دانشکده	ادبیات و علوم انسانی	۹	۵۰٪	
	الهیات و معارف اسلامی	۲	۱۱/۱	
	ریاضی و فیزیک	۲	۱۱/۱	
	شیمی	۲	۱۱/۱	
	اقتصاد	۱	۵/۵	
	تربیت بدنی	۲	۱۱/۱	

نتایج کدگذاری برای آسیب‌شناسی مدارس در تجارب زیسته دانش‌آموزی از دیدگاه دانشجویان در جدول ۲ ارائه شد.

جدول ۲. آسیب‌شناسی مدارس در تجربه زیسته دانش‌آموزی از دیدگاه دانشجویان

مضمون اصلی	مضامین فرعی	کدهای اولیه
ضعف در روش‌های تدریس	عدم بکارگیری شیوه‌های تدریس جدید و خلاق، استفاده نکردن یا کم استفاده کردن از شیوه‌های آموزش گروهی، استفاده نکردن یا کم استفاده کردن از وسایل کمک آموزشی، استفاده نکردن یا کم استفاده کردن از شیوه‌های نمایشی و فعال، استفاده زیاد از روش حفظ و تکرار و آموزش از روی کتاب، منفعل نگه داشتن دانش‌آموز	
ضعف در محتوا	اکارآمدی محتوا در زندگی روزمره و آینده، جذاب نبودن محتوا، ارائه مطالب تکراری و خسته‌کننده، توجه نکردن محتوا به	

نیازهای اصلی و عملی زندگی از جمله مسائل روانشناسی، نوجوانی، آموزش مهارت‌های زندگی، روابط فرزند_والدین، مسائل بهداشتی و مشکلات هر مرحله از رشد در دانش‌آموز	
توجه نکردن به امتحانات گروهی، تهدید برای امتحان و یادگرفتن و نمره آوردن تأکید بر نمره‌گرایی و حافظه‌پروری، ترس از امتحان و کابوس بودن آن، استرس و اضطراب شدید در زمان امتحان، دادن سؤال‌های سخت در امتحانات، توجه نکردن به تلاش و فعالیت‌های انجام شده دانش‌آموزان در طول سال، توجه نکردن به خودارزیابی	ضعف در ارزشیابی بعد آموزشی
ضعف در تسلط معلم به مطالب، ضعف در عدم قدرت انتقال مطالب توسط معلم، ضعف در استفاده از شیوه‌های خلاقانه در درس، سطح علمی ضعیف معلمان و استفاده نکردن از وسایل کمک آموزشی و ابزارهای پیشرفته، بکارگیری معلمان غیر ز رشته تخصصی خود برای دروس دیگر، ضعف در اداره کلاس و برقراری نظم در کلاس (اداره کلاس با زور، خشونت و اهانت)، عدم مسئولیت‌پذیری و انجام ندادن وظایف خود به درستی در برخی از معلمان، نداشتن وجدان کاری در برخی از معلمان، رعایت نکردن قوانین توسط خود معلم، عمل نکردن به قول و تعهدات در برخی از معلمان، بی‌توجهی به کشف استعدادها، دانش‌آموزان و جهت دادن به آنها، نداشتن آگاهی و دانش کافی در باب چگونگی ارتباط با دانش‌آموزان، حاضر شدن در کلاس برای دریافت حقوق، توجه نکردن به علایق و نیازهای دانش‌آموزان، توجه نکردن به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان، نداشتن مهارت‌های شوخ طبعی و ایجاد کردن فضای شاد در کلاس، نداشتن مهارت‌های جذاب کردن کلاس، نداشتن روحیه انتقادپذیری، سلامت روانی ضعیف برخی معلمان، وقت نگذاشتن برای حل مشکلات دانش‌آموزان در جهت بهبود شرایط، دادن تکالیف زیاد بدون توجه به وسع دانش‌آموز، شناخت و دانش ناکافی از مراحل رشد و خصوصیات روانی دانش‌آموز، نداشتن مطالعه در زمینه حرفه خود و مهارت‌های تدریس و کلاس‌داری	ضعف در صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان
برقراری نظم با روش‌های نامناسب اعم از خشونت، زور، اهانت و تنبیه، افراط‌گرایی در حرفه خود، نداشتن نظارت کافی بر معلمان و پشتیبانی زیاد از همکاران خود، نداشتن علم و دانش کافی در باب حیطه کاری خود، استفاده نکردن از روش‌های علمی جدید در حیطه کاری خود و به خصوص نحوه برقراری نظم در مدارس، شناخت ناکافی از دانش‌آموز، تکرار مرسومات قبلی به جای تفکر، نداشتن نوآوری در حیطه کاری خود، انتقادناپذیر بودن	ضعف در صلاحیت‌های حرفه‌ای معاونان و مدیران
کار بردن شیوه‌های تربیتی توبیخی_تنبیهی به جای روش‌های ملایم و دوستانه، دیکته کردن اعتقادات و باورهای خود به دانش‌آموزان، استفاده از شیوه‌های ترس، خشونت و اهانت در تربیت، عدم برقراری عدالت حتی در تنبیه کردن، ایراد گرفتن زیاد به نحوه پوشش، ناخن و موارد دیگر، استفاده از زور و اجبار در حل مشکلات تربیتی، تهدید دانش‌آموز و استفاده ابزاری از نمره در حل مشکلات تربیتی، تهدید و تحقیر دانش‌آموز به دلیل انجام خطا، حفظ نکردن عزت نفس دانش‌آموز و شکستن شخصیت او، گذشت نکردن از خطای دانش‌آموز و یا گذشت کردن پس از تحقیر و تنبیه، تحقیر فرد خاطی جلوی دیگران، تنبیه از روی بی‌عدالتی و بی‌اطلاعی از اصل موضوع، تذکر دادن همراه با عصبانیت و فریاد زدن، کم‌رنگ بودن تربیت و توجه بیشتر به آموزش، ریشه‌یابی نکردن مشکلات رفتاری و روانی دانش‌آموز، علمی نبودن روش‌های تربیتی، ناکارآمدی در هدایت و راهنمایی دانش‌آموز به دلیل ضعف در شیوه‌های ارتباطی با آنها، نداشتن الگوهای اخلاقی مناسب در مدرسه، توجه نکردن به تربیت جسمانی از جمله توجه نکردن به زنگ ورزش، اختصاص دادن زنگ‌های ورزش به دروس دیگر، توجه نکردن به تغذیه دانش‌آموزان در مدرسه، توجه نکردن به مراحل رشد و ندادن اطلاعات در این زمینه به دانش‌آموزان	ناکارآمدی در روش‌های تربیتی عد تربیتی
اجبار در انجام فرائض دینی از جمله شرکت در نماز، سرزنش و تحقیر به دلیل شرکت نکردن در نماز، تهدید و استفاده ابزاری از نمره جهت شرکت در نماز و حفظ حجاب	ضعف در تربیت دینی به طور خاص
رفیق نبودن با دانش‌آموزان، تبعیض (تبعیض گذاشتن میان دانش‌آموزان درس‌خوان و ضعیف، برچسب زدن دانش‌آموزان ضعیف، تحقیر، سرزنش و تنبیه متعلمان ضعیف، تبعیض گذاشتن میان طبقات اجتماعی دانش‌آموزان، سختگیری زیاد، انتقاد ناپذیری (نداشتن جرأت سخن گفتن در دانش‌آموز، گوش ندادن به نظرات و پیشنهادات دانش‌آموز و یا برخورد سرد داشتن، ترس از صحبت کردن یا گفتن مشکلات به معلم، تنبیه از جمله (تنبیه در اثر درس نخواندن، تنبیه در اثر حرف زدن و رعایت نکردن قوانین، تنبیه در اثر دیر رسیدن به کلاس، تنبیه به دلیل ننوشتن تکالیف، تنبیه از روی بی‌عدالتی و بی‌آگاهی از اصل موضوع)، تنبیهات بدنی شدید، خشونت بالا، حوصله کمتر برخی معلمان سن بالا، اطاعت همه جانبه از معلم و مستبد بودن معلم، درک نکردن دانش‌آموز و مشکلات او، نداشتن عفت کلام در رابطه با دانش‌آموز، عدم گوش دادن صحیح به مشکلات دانش‌آموز، برقرار نکردن فضای دوستانه و محبت‌آمیز در کلاس، نگاه کردن تکالیف از روی	رابطه معلم و دانش‌آموز

مد تعاملی	خشونت، توجه نکردن به شخصیت دانش‌آموز و عزت نفس او، تغییر ندادن شیوه‌های رفتاری خود، انتقال دادن مشکلات خانوادگی به کلاس و برخورد با دانش‌آموزان
رابطه معاون - دانش‌آموز	انتقاد ناپذیری (ترس از حرف زدن با معاون، ترس از گفتن مشکلات به معاون، گوش ندادن به نیازها و مشکلات دانش‌آموزان)، افراط‌گرایی شدید در حیطه کاری خود، خشونت زیاد، تحقیر و تهدید و سرزنش زیاد دانش‌آموز، استفاده ابزاری از نمره جهت برقراری نظم، عدم تکریم دانش‌آموز، ایجاد فضای اطاعت همه جانبه از او، طبقه‌گرایی شدید، رفتارهای به شدت زننده، بداخلاقی و سختگیری زیاد، تنبیه دانش‌آموز به دلایل متعدد از جمله ننوشتن تکالیف و رعایت نکردن نظم، انجام عمل نادرست قبل از آگاهی و تحقیق کامل، نقش معاون به عنوان بازرس، اختلال در آرامش مدرسه، مورد اعتماد نبودن معاون، ایجاد ترس، رعب و بی‌رغبیتی و نفرت در دانش‌آموزان، بکار نگرفتن روش‌های دوستانه در تذکر دادن، عدم دانش و شناخت کافی در مهارت‌های ارتباطی، تبعیض‌گرایی
رابطه مدیر - دانش‌آموز	تبعیض میان دانش‌آموزان به دلایل مختلف، نقش کم‌رنگ مدیر در مدرسه و حل مشکلات آموزشی و پرورشی، تکرار مرسومات قبل و امور به صورت یکنواخت، انتقاد ناپذیری، سرزنش، تحقیر و تهدید و تنبیه متعلم به دلایل مختلف، بی‌توجهی به وضعیت شخصی دانش‌آموز، ایجاد فضای اطاعت همه جانبه از مدیر، بی‌توجهی به علایق دانش‌آموزان، خشک و جدی و استبدادی بودن، ترس از مدیر و حرف زدن با او، بی‌اعتمادی به دانش‌آموز، عصبی بودن، نداشتن عفت کلام، عدم حفظ شخصیت و تکریم دانش‌آموز، سختگیری در امور غیر ضروری به جای حل مشکلات
فضای حاکم بر مدرسه بعد محیطی- فیزیکی	بود شادی حقیقی در مدرسه، فضای کسل‌کننده، فضای ترس، وحشت و استبداد، شبیه پادگان نظامی، افراط‌گرایی شدید در برخی امور، فضای خشک زور و اجبار، خشم، توهین، تحقیر و تنبیه، سرکوب کردن استعدادها، سرکوب کردن شخصیت دانش‌آموزان، عدم امنیت روانی، تلاش دانش‌آموز برای گرفتن تأیید و تحسین عوامل انسانی مدرسه، طولانی بودن مراسم صبحگاهی بدون در نظر گرفتن شرایط دانش‌آموز، محیط اضطراب‌آور و پرتنش، داشتن برنامه‌های خشک و تکراری، نقش پررنگ معاون در ایجاد فضای استرس‌آور مدرسه، به طور مداوم زیر نگاه معاون و مدیر بودن، سختگیری زیاد، تاریک، سرد و بی‌روح بودن محیط مدرسه
ضعف در ارائه تجهیزات و امکانات	استفاده نکردن از وسایل و تکنولوژی روز، کلاس‌های کوچک با تعداد دانش‌آموز زیاد، نبود امکانات اولیه چون مازیک و تلف کردن وقت دانش‌آموز، کمبود و نداشتن تجهیزات آزمایشگاهی و آزمایشگاه‌های مجهز، توجه نکردن به امکانات مدارس روستاها، نبود و یا کم بودن اردوهای علمی-تفریحی، عدم استحکام ساختمان‌ها در برابر زلزله، توجه به ظاهر مدارس به جای استحکام‌بخشی، عدم تهویه مناسب در کلاس‌ها، عدم رسیدگی به وضعیت بهداشتی مدارس، نداشتن امکانات ورزشی، نداشتن سالن ورزشی، نداشتن نمازخانه مناسب، هزینه زیاد گرفتن از والدین و ندادن خدمات کافی و مناسب، نداشتن کتابخانه و تخته هوشمند، هزینه نکردن یکسان برای همه مدارس
<p>مطابق با یافته‌های پژوهش و جدول ۲ تجارب زیسته به چهار مضمون اصلی تقسیم شد که هر مضمون اصلی شامل تعدادی مضمون فرعی بود. مضامین اصلی شامل آسیب‌شناسی مدارس در بعد آموزشی، تربیتی، تعاملی و محیطی-فیزیکی بودند. در بعد آموزشی ۵ مضمون فرعی استخراج شد که شامل روش‌های تدریس نامناسب و مهارت‌های کلاس‌داری ضعیف، ضعف در ارزشیابی محتوای آموزشی، نبود صلاحیت‌های حرفه‌ای در معلم، نداشتن صلاحیت‌های حرفه‌ای در معاون و مدیر و ضعف در ارزشیابی نظام آموزشی می‌شدند. مضمون اصلی دوم، بعد تربیتی با دو مضمون فرعی بود. مطابق با این بعد شیوه‌های تربیتی که توسط برخی از عوامل انسانی مدارس به کار گرفته می‌شدند بسیار ناکارآمد و منفی بودند، ضمن اینکه مطابق با مضمون فرعی دوم شیوه‌های تربیت دینی نیز همراه با ضعف‌های اساسی بودند. بخش دیگری از بیانات دانشجویان تحت مضمون بعد تعاملی قرار گرفت. تعاملات و رفتارهای نامناسب معلمان، معاونان و مدیران مدارس با دانش‌آموزان از یافته‌های این بخش بود. تنبیه و تنبیه بدنی شدید و سپس تهدید، تحقیر، خشونت زیاد، عصبانیت زیاد، ناسزاگویی، فریاد کشیدن بر سر دانش‌آموز بیشترین عباراتی بودند که توسط دانشجویان مطرح شدند. چهارمین آسیب متعلق به بعد محیطی-فیزیکی بود که در آن دو مضمون فرعی فضای حاکم بر مدرسه و امکانات و تجهیزات آن بدست آمد. اکثر دانشجویان فضای حاکم بر مدارس خود را ناشاد و همراه با تنش می‌دانستند، ضمن اینکه نبود امکانات و تجهیزات کافی در مدارس مخصوصاً نبود کتابخانه مجهز و آزمایشگاه‌های مجهز و هوشمند نبودن کلاس‌ها از بزرگترین دغدغه‌های شرکت‌کنندگان بود. علت‌های آسیب‌های چهارگانه تجربه زیسته دانش‌آموزی از دیدگاه دانشجویان در جدول ۳ ارائه شد.</p>	

جدول ۳. علت‌های آسیب‌های مطرح شده در تجربه زیسته دانش‌آموزی از دیدگاه دانشجویان

علتها
<p>مد آموزشی: ضعف در سیستم گزینش معلمان، مدیران و معاونان و توجه نکردن به سلامت روانی معلم بی‌خلاقیتی و تکرار(سنت‌گرایی) در زمینه تدریس و کلاس‌داری نبود یک سیستم آموزشی مناسب برای معلمان نبود یک سیستم ارزیابی دقیق از کار معلمان، معاونان و مدیران در زمینه تدریس و آموزش عدم آگاهی یا دانش اندک عوامل انسانی مدارس از علم پداگوژی تأکید بر حافظه‌پروری و نمره‌گرایی در نظام تعلیم و تربیت ایران</p>
<p>مد تربیتی: آگاهی، دانش و شناخت ناکافی عوامل مدرسه از انسان، دانش‌آموز و ویژگی‌های جسمی، روانی و عاطفی او استفاده نکردن از نظرات متخصصان و روانشناسان خبره و ماهر در نظام تعلیم و تربیت سلیقه‌ای عمل کردن برای بکارگیری روش‌های تربیتی آگاهی و دانش اندک عوامل مدارس از علوم تربیتی</p>
<p>مد تعاملی: معلم سالاری و سیستم محوری به جای دانش‌آموز محوری نبود قاطعیت و مجازات کردن کادر مدرسه که خشونت بدنی نسبت به دانش‌آموز دارند عدم نظارت دقیق و همه‌جانبه بر کار عوامل انسانی مدارس در نوع برخورد با دانش‌آموز نبود یک سیستم ارزیابی دقیق از کار معلمان، معاونان و مدیران در زمینه تکریم دانش‌آموز نگرش نظرات دانش‌آموزان و والدین آنها در زمینه نوع برخورد با دانش‌آموز در مدارس</p>
<p>مد محیطی-فیزیکی: صرف نکردن بودجه کافی برای رفع کمبود امکانات و تجهیزات مدارس</p>
<p>بالت‌های کلی: نبود یک برنامه‌ریزی صحیح، همه‌جانبه و دقیق برای نظام تعلیم و تربیت توجه به امور غیر ضروری به جای حل مشکلات تعلیم و تربیت نبود روح معنویت واقعی بر مدارس ناکارآمدی و بی‌کفایتی برخی از مسئولین نظام آموزشی عدم تلاش و پیگیری در جهت حل مشکلات نظام آموزشی و بهبود شرایط توجه نکردن به خود دانش‌آموز و نیازها و خواسته‌های او</p>
<p>با توجه به جدول ۳ مشارکت‌کنندگان علت‌های اصلی آسیب‌های مطرح شده را در سیستم ضعیف گزینش معلم، دانش علمی ضعیف معلمان و مدیران، تأکید بر حافظه‌پروری، معلم سالاری، عدم نظارت کافی بر کار معلمان و مدیران، صرف نکردن بودجه کافی برای رفع کمبود امکانات، بی‌کفایتی و ناکارآمدی برخی مسئولین نظام آموزشی و موارد دیگر می‌دانستند. پیامدهای آسیب‌های چهارگانه تجربه زیسته دانش‌آموزی از دیدگاه دانشجویان در جدول ۴ ارائه شد.</p>
<p>جدول ۴. پیامدهای آسیب‌ها در تجربه زیسته دانش‌آموزی از دیدگاه دانشجویان</p>
پیامدها
<p>مد آموزشی: علاقه نداشتن به مدرسه و حس انزجار به دلیل فضای خشک و خسته‌کننده کلاس تنفر از درس و مدرسه به دلیل سخت‌گیری‌های زیاد ضعیف‌تر شدن متعلمان ضعیف به دلیل بی‌توجهی و تحقیر آنها درک نکردن دروس به دلیل نداشتن قدرت انتقال معلم احساس ترس و اضطراب حتی پس از پایان یافتن مدرسه به دلیل موارد فوق</p>
<p>مد تربیتی: تنفر از مدرسه به دلیل سخت‌گیری‌های زیاد در امور تربیتی</p>

تنفر از مدرسه به دلیل نبود شیوه‌های تربیتی صحیح

مد تعاملی: اطاعت نکردن دانش‌آموز و لجبازی و پرخاشگری به دلیل رفتار نامناسب عوامل مدرسه
سرکوب شدن استعدادها دانش‌آموزان به دلیل بدرفتاری عوامل انسانی مدرسه
کاهش ارتباطات و گوشه‌گیر شدن به دلیل روابط نادرست معلمان
دلزدگی از نماز، حجاب و اسلام به دلیل اجبار و برخوردهای نامناسب با دانش‌آموز
در مسائل دینی
تنفر از عوامل انسانی مدرسه به دلیل رفتار نامناسب

حیطی-فیزیکی: نداشتن پیشرفت به دلیل کمبود امکانات و تجهیزات مخصوصا کتابخانه و آزمایشگاه
دچار ترس و اضطراب شدن حتی با فکر کردن به مدرسه در بزرگسالی به دلیل
محیط تنش‌آور آن
تنفر از درس به دلیل محیط تنش‌زا و پر استرس مدرسه

مطابق با جدول ۴ آسیب‌های مطرح شده پیامدهای مخربی بر سلامت دانش‌آموزان داشتند، عمده‌ترین پیامدها شامل تنفر و دلزدگی نسبت به مدرسه، احساس ترس و اضطراب حتی در بزرگسالی، پدید آمدن روحیه لجبازی و پرخاشگری در دانش‌آموز و نداشتن پیشرفت به دلیل کمبود امکانات و تجهیزات در مدارس می‌شدند.

بحث و نتیجه‌گیری

در بیان نتایج پژوهش حاضر باید گفت با تحلیل تجارب زیسته دانشجویان از دوران دانش‌آموزی، آسیب‌های مدارس در چهار مضمون اصلی از جمله آموزشی، تربیتی، تعامل با دانش‌آموزان و محیطی-فیزیکی قرار گرفتند. در نتایج حاصل از مضمون اصلی آسیب‌های آموزشی چهار مضمون فرعی بدست آمد. این مضامین عبارت از ضعف در مهارت‌های حرفه‌ای عوامل انسانی مدارس، ضعف در روش‌های تدریس، ضعف در محتوا و ضعف در نظام ارزشیابی بودند. مضامین فرعی ضعف در روش‌های تدریس و ضعف در مهارت‌های حرفه‌ای عوامل انسانی مدارس با نتایج پژوهش (Abdoli, et al (2015) Darvishi, et al (2018), Sibel, et al (2018) همراستا می‌باشد. باید گفت کیفیت هر نظام آموزشی به کیفیت منابع انسانی آن بستگی دارد. اگر منابع انسانی آن سازمان از مهارت‌ها و صلاحیت‌های حرفه‌ای لازم برخوردار نباشند به طور حتم آن سازمان هم از کیفیت مطلوبی برخوردار نیست. در پژوهش حاضر یکی از عوامل اصلی ایجاد آسیب‌های بعد آموزشی عدم صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان، معاونان و مدیران مدارس بود، از جمله نداشتن دانش به روز و بهره‌نگرفتن از روش‌ها و ابزارهای علمی نوین، نداشتن دانش کافی در باب مراحل رشد شناختی و روانی دانش‌آموزان، نداشتن مطالعه کافی، ضعف تسلط علمی، ضعف در مدیریت کلاس و مدرسه و برقراری نظم از جمله مدیریت کلاس و مدرسه با خشونت و اهانت، انتقاد ناپذیری، عدم انعطاف‌پذیری، نداشتن مهارت‌های ارتباطی، نداشتن وجدان کاری و مسئولیت‌پذیری، توجه نکردن به استعدادهای دانش‌آموزان، حقوق‌گرایی، نداشتن مهارت‌های شوخ‌طبعی و عدم مهارت در ایجاد فضای شاد و جذاب کردن کلاس برخی از مصادیق آن بود. مطابق با نتایج این بخش نه تنها معلمان از سواد علمی و مهارت‌های کلاس‌داری کافی برخوردار نبودند، بلکه معاونان و مدیران نیز فاقد علم و دانش کافی در اداره مدرسه بودند. کلاس‌های درسی فاقد هر گونه انگیزه، نشاط و تحرک در دانش‌آموزان بودند، نه تنها از ابزارهای پیشرفته استفاده نمی‌شد بلکه دانش استفاده از آن هم در معلمان وجود نداشت، خلاقیت و نوآوری در معلمان و مدیران وجود نداشت، وقت کافی برای حل مشکلات دانش‌آموزان گذاشته نمی‌شد، هر گونه انتقادی از سوی دانش‌آموزان همراه با سرکوب شدن بود، برخی معلمان و معاونان مدارس از سلامت روانی ضعیفی برخوردار بودند، از طرف دیگر نداشتن وجدان کاری در برخی از معلمان منجر می‌شد وظایف خود را به درستی انجام ندهند و تلاشی در جهت رشد و پیشرفت دانش‌آموزان نداشته باشند. لذا نتایج این مضمون فرعی نشان داد که عوامل انسانی مدارس جهت انجام بهتر حرفه خود به آموزش و راهنمایی‌های زیادی در این حیطه نیاز دارند که به نظر می‌رسد در نظام تعلیم و تربیت ایران توجه چندانی به آن نمی‌شود. در واقع آنها فاقد هر گونه دانش، نگرش و مهارت-

های متناسب با حیطه کاری خود هستند، به نظر می‌رسد فرایندهای تربیتی لازم و کافی را در جهت ایفای بهتر نقش خود طی نکرده‌اند، بازآموزی و بهسازی مداوم ندارند، مدیران مدارس از ضعف دانش علمی شدیدی برخوردارند، چنانکه Ghorchian & Mahmoodi (2004) تصریح می‌کنند: «بررسی‌ها در ایران نشان می‌دهد مدارس به شکل سنتی و به دست افرادی اداره می‌شوند که سابقه معلمی دارند و فاقد تخصص‌های لازم در حیطه مدیریت و مدیریت آموزشی هستند که این امر مشکلاتی را برای نظام به وجود می‌آورد». نه تنها عوامل انسانی مدارس به فکر مهارت‌افزایی خود نیستند و تلاشی در این زمینه انجام نمی‌دهند بلکه نظام آموزشی نیز در جهت ارتقاء حرفه‌ای آنها اقدام مؤثری انجام نمی‌دهد که همه این موارد بازدهی کار آنها را کاهش می‌دهد و به طور حتم بر رشد و پیشرفت دانش‌آموزان هم تأثیرات منفی می‌گذارد.

نتایج مضمون فرعی ضعف در روش‌های تدریس نشان‌دهنده آن بود که روش‌های تدریسی که به کار گرفته می‌شد نیز کاملاً برای دانش‌آموزان سنتی و خسته‌کننده بودند، از روش‌های مشارکتی، فعال، خلاق و همچنین وسایل کمک آموزشی استفاده نمی‌شد، آموزش‌ها اغلب از روی کتاب بود و دانش‌آموز هیچ نقشی در فرایند یادگیری نداشت. این در حالی است که روش‌های سنتی دیگر پاسخگوی نیازهای دانش‌آموزان عصر حاضر نیستند، لذا باید به دانش‌آموز حق داد که خواستار روش‌های به روز و متناسب با زمان خود باشد، مخصوصاً امروزه با وجود انواع تکنولوژی‌ها و فناوری‌ها به طور حتم نیاز به روش‌های تدریس نوین چندین برابر شده است و معلم باید از جدیدترین یافته‌های علمی و تخصصی در حیطه کاری خود آگاهی کامل داشته باشد و آنها را در کلاس به کار گیرد. در نتایج مضامین فرعی ضعف در محتوا و سیستم ارزشیابی محرز گردید محتواهای آموزشی و فرآیند ارزشیابی که به کار گرفته می‌شد با مشکلات متعددی همراه بودند. عدم توجه محتوا به نیازهای دانش‌آموزان و عدم کاربرد آن در زندگی و همچنین توجه نکردن به ارزشیابی‌های گروهی و فعالیت‌های دانش‌آموز در طول سال، تأکید ویژه بر نمره‌گرایی و حافظه‌پروری از دغدغه‌های اکثر مشارکت‌کنندگان بود. امتحان استرس شدیدی را بر دانش‌آموز تحمیل می‌کرد، تجارب برخی از دانشجویان حاکی از دیدن کابوس و یا خواب‌های آشفته در شب‌های قبل از امتحان بود. این امر نشان می‌دهد پدیده حافظه‌پروری که از سال‌ها پیش بر نظام تعلیم و تربیت کشور ایران حاکم بوده است همچنان جایگاه خود را حفظ کرده و توجه چندانی هم به رفع آن نمی‌شود، به گونه‌ای که دانش‌آموز باید اکثر اوقات خود را صرف حفظ کردن مطالب و سپس باز پس دادن آنها بکند که خود سبب می‌شود از اساسی‌ترین نیازهای دیگر از جمله تفریح و نشاط آن هم در حساس‌ترین مقاطع زندگی باز بماند. ضمن آنکه عصر جهانی شدن و فناوری اطلاعات و ارتباطات نیاز به دانش‌آموزانی کنجکاو، خلاق، متفکر و مبدع دارد که تنها با ایجاد فضای کلاسی فعال، تدبیرانگیز، مسئله‌محور و مشارکت‌محور به گونه‌ای که دانش‌آموز خود یادگیری خود را بسازد اتفاق می‌افتد نه صرفاً با انتقال اطلاعات به ذهن او و سپس باز پس‌گیری آنها. لذا این امر را نیز باید یکی از موانع اصلی رشد و پیشرفت دانش‌آموزان دانست که نیاز به توجه جدی از سوی نهادهای ذی‌ربط است.

در نتایج حاصل از مضمون اصلی آسیب‌های تربیتی دو مضمون فرعی بدست آمد. این مضامین عبارت از ناکارآمدی در روش‌های تربیتی و ضعف در تربیت دینی به طور خاص بودند. بخشی از نتایج مضمون فرعی ناکارآمدی در روش‌های تربیتی با نتایج پژوهش (Abdoli, et all (2015), Bazargan & Lavasani (2003) مطابقت می‌کند. عمده‌ترین آسیب‌های بعد تربیتی در بکارگیری روش‌های تربیتی نادرست توسط معلمان، معاونان و مدیران مدارس بود. روش‌هایی که در رأس آنها تبعیض، تحقیر، تنبیه، تهدید، اهانت و سختگیری‌های افراطی قرار داشت. تبعیض میان دانش‌آموزان ضعیف و قوی و برچسبی که به دانش‌آموزان ضعیف زده می‌شد و در نهایت بی‌توجهی به آنها، تبعیض در طبقه اجتماعی دانش‌آموزان، تهدید و تنبیه دانش‌آموزان به دلایل مختلف از جمله درس نخواندن و عدم رعایت انضباط و همچنین نبود الگوهای اخلاقی نیک در مدارس بخشی از نتایج مضمون فرعی ناکارآمدی در روش‌های تربیتی بود. بکارگیری چنین شیوه‌هایی نه تنها سبب کاهش عزت‌نفس و کرامت دانش‌آموزان می‌شوند بلکه نشان از ضعف عاملان آنها در اداره کلاس و مدرسه و عدم رشد حرفه‌ای آنها نیز می‌باشد. لذا جای تأسف است در جامعه‌ای که پیامبر(ص) در زمان جاهلیت فرمودند: «کودکان خود را مورد تکریم و احترام قرار دهید» (Tabarsi, 2000)، امروز در عرصه تعلیم و تربیت شاهد بکارگیری چنین روش‌های نادرستی باشیم. البته بکارگیری روش‌های تربیتی نادرست در مدارس به عدم آشنایی معلمان، معاونان و مدیران با روش‌های تربیتی صحیح و علمی و همچنین الگوگیری‌های نادرست و تکرار و عادت

نیز بر می‌گردد. معضل دیگر در این مضمون فرعی عدم توجه به تربیت جسمانی از جمله اهمیت ندادن به ساعات ورزش و تغذیه دانش‌آموزان بود. ساعات ورزش که جزء مهم‌ترین بخش‌های برنامه درسی هستند یا به دروس دیگر اختصاص داده می‌شد و یا دانش‌آموزان به حال خود رها شده و به بطالت این زمان را می‌گذرانند. ضعف در تربیت دینی از جمله دعوت دانش‌آموزان به حفظ حجاب یا انجام فرائض دینی با روش اجبار و تهدید به کم کردن نمره معضل دیگری در مدارس بود که سبب تنفر دانش‌آموزان از دین اسلام می‌شد. در واقع تمامی موارد فوق می‌رسانند که در نظام آموزشی کشور ما تربیت در ابعاد گوناگون خود اعم از تربیت جسمانی، عاطفی، اخلاقی و معنوی که بخش اساسی از نظام تعلیم و تربیت را تشکیل می‌دهند دستخوش بی‌تدبیری و چه بسا غفلت قرار گرفته‌اند.

در نتایج حاصل از مضمون اصلی آسیب‌های تعاملی سه مضمون فرعی بدست آمد. این مضامین عبارت از ضعف در تعامل معلم-دانش‌آموز، معاون-دانش‌آموز و مدیر-دانش‌آموز بود. در واقع نتایج آسیب‌های بعد تعاملی حاکی از آن بود که متأسفانه احترام، تکریم و عزت‌نفس دانش‌آموز در مدارس رعایت نمی‌شد و در اکثر مواقع دانش‌آموزان با انواع سوءرفتارها و خشونت‌های کلامی و عملی چون تهدید، تحقیر، سرزنش، ناسزاگویی، فریادزدن بر سر دانش‌آموز و تنبیه از سوی معلمان، معاونان و مدیران مواجه بودند. بی‌عدالتی، گوش ندادن به حرف‌های دانش‌آموز، ایجاد وحشت شدید در دانش‌آموز و مطیع کردن صرف او و نبود یک جو اعتمادآمیز میان معلم و معاون با دانش‌آموز از معضلات دیگر بود، ضمن اینکه تنبیهات بدنی شدید مخصوصاً در مقاطع پایین‌تر همچنان اعمال می‌شد. این نتیجه‌گیری نیز با نتایج Bazargan & Lavasani (2003) و Nearchou (2018) همسو است، چنانکه این پژوهش‌ها انواع آزارهای جسمانی، عاطفی و کلامی نسبت به دانش‌آموزان را نتیجه گرفتند. این امر نیز یکی از ضعف‌های بزرگ در نظام تعلیم و تربیت کشور می‌باشد و نشان‌دهنده آن است که مدارس همچنان دارند با شیوه‌های مقتدرانه و مستبدانه اداره می‌شوند. در حالی که مدارس باید فراهم‌کننده محیطی سرشار از امنیت، اعتماد، احترام و تکریم دانش‌آموزان و در نهایت محیطی مطلوب برای آنها باشند. امروزه اکثر یافته‌های علمی جدید به این نتیجه رسیده‌اند که یادگیری مؤثر در محیطی مطلوب اتفاق می‌افتد. ایجاد چنین محیطی نه تنها سبب تسهیل یادگیری دانش‌آموزان می‌شود بلکه در پرورش روحیه عزت، بزرگی، محبت، مهربانی و اعتماد به نفس آنها هم تأثیر بسزایی دارد. بنابراین باید توجه داشت هر یک از دانش‌آموزان دارای کرامت هستند و همچنین قرار است فردا هدایت نسل‌های آینده را بر عهده بگیرند. لذا اگر مدرسه محیطی عزت‌پرور نباشد و همچنان از روش‌های مقتدرانه، مستبدانه و خشونت‌آمیز علیه دانش‌آموزان استفاده کند به طور حتم صدمات جبران‌ناپذیری را هم به آینده تحصیلی دانش‌آموز و هم به سلامت جسم و روان او وارد کرده است، ضمن اینکه پیشرفت و آینده کشور را هم دچار اختلال می‌کند، چرا که آینده کشور باید به دست جوانانی عزت‌مند، مقتدر و با اعتماد به نفس کامل باشد و ساختن چنین روحیه‌ای در مدارس که با روش‌های باز و مسالمت‌آمیز اداره می‌شوند اتفاق می‌افتد. البته به نظر می‌رسد یکی از عوامل بدرفتاری با دانش‌آموزان به بی‌توجهی مسئولین، جامعه، والدین و عدم رسیدگی نظام آموزشی به این مسئله می‌باشد. اگر واکنش شدیدتری از سوی عوامل فوق به این مسئله می‌شد به طور حتم میزان بدرفتاری و خشونت‌گری با دانش‌آموزان در مدارس هم کاهش می‌یافت.

در نتایج حاصل از مضمون اصلی آسیب‌های محیطی-فیزیکی دو مضمون فرعی بدست آمد. این مضامین فرعی عبارت از فضای حاکم بر مدرسه و ضعف در تجهیزات و امکانات بود که همسو با نتایج Sezar & Can (2020) و Bashiri (2016) است. Sezar & Can (2020) در تحقیق خود دریافتند از دیدگاه دانش‌آموزان محیط مطلوب مدرسه و یادگیری و ارائه تجهیزات در شادی آنها تأثیر بسزایی دارد. در پژوهش حاضر نیز یکی از عوامل اصلی دلزدگی دانشجویان از مدارس به دلیل فضای خشک و تنش‌آور آن بود؛ مشارکت‌کنندگان اظهار داشتند متأسفانه فضای حاکم بر مدارس آنها فضای زور، استبداد و اطاعت محض از عوامل مدرسه و گاهی هم درگیری شدید میان معلم و معاون با دانش‌آموز بود، چندان شادی و نشاط و جذابیتی در آن نبود، به استعدادهای دانش‌آموزان توجه نمی‌شد و به جای اینکه محرک و مشوق یادگیری دانش‌آموزان باشد بیشتر به دلزدگی آنها از مدرسه می‌انجامید. از طرف دیگر کمبود امکانات و تجهیزات مدارس نیز معضل دیگری بود که انگیزه پیشرفت را از دانش‌آموز گرفته بود، مخصوصاً کمبود امکانات در حیطه ورزشی از جمله نداشتن سالن ورزشی، نداشتن آزمایشگاه‌های مجهز، کتابخانه

مجهز و همچنین هوشمند نبودن کلاس‌ها بسیار دانش‌آموزان را با مشکل مواجه کرده بود. تعداد زیاد دانش‌آموز در کلاس و نبود شرایط تهویه مناسب، ساختمان‌های قدیمی و غیر مقاوم در برابر زمین‌لرزه نیز از دیگر آسیب‌ها بود. در این باب نیز باید توجه کرد که دانش‌آموزان قرار است بخشی از مهم‌ترین ساعات زندگی خود را در مدارس بگذرانند، پس محیط مدرسه باید از هر جهت تأمین‌کننده نیازهای جسمانی، روحی و روانی و رضایت کامل آنها باشد. از طرف دیگر توجه به غنا بخشیدن به امکانات و تجهیزیات مدارس در اسناد بالادستی از جمله سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نیز مورد تأکید قرار گرفته است که هنوز توجه چندانی به آن نشده است. در حالی که این ضعف و همچنین جو نامناسب مدارس به طور حتم آثار مخربی را برای دانش‌آموزان به دنبال دارد، از به خطر افتادن سلامت جسمانی دانش‌آموزان گرفته تا عدم رشد و پیشرفت آنها، کاهش یادگیری و انگیزه، کاهش کیفیت آموزش و در نهایت عدم دستیابی به اهداف تعلیم و تربیت می‌باشد.

از دیگر نتایج پژوهش حاضر علت‌های پدیدآورنده آسیب‌ها بود که مهم‌ترین علت‌ها شامل تأکید بر حافظه‌پروری و نمره‌گرایی، توجه نکردن به دانش‌آموز و نیازهای او، ضعف در سیستم‌گزینش معلم، استفاده نکردن از نظرات متخصصان و خود دانش‌آموز، بی‌کفایتی برخی مسئولین نظام آموزشی و نبود یک برنامه‌ریزی عمیق و جامع برای نظام تعلیم و تربیت می‌شدند. بخشی از نتایج این قسمت با نتایج Darvishi, et al (2018) همراستا است. با توجه به بحث علت‌ها باید گفت نظام تعلیم و تربیت کشور ما دچار یک تکرار و سنت‌گرایی بدون تفکر شده است، به عبارت دیگر یک چرخه معیوب همچنان در حال گردش است، سیستم آموزشی به طور مداوم میراث به جای مانده از قبلی‌ها را با همه اشتباهات می‌گیرد و سپس به نسل بعد انتقال می‌دهد. تفکر، مطالعه، برنامه‌ریزی جامع، تغییر و تحول و نوآوری در آن موحی نمی‌زند و لذا در نبود این عوامل مشکلات فوق پدید می‌آیند. از طرف دیگر نبود یک سیستم نظارتی و ارزشیابی قوی از مدارس و عوامل انسانی مدارس، اهمیت ندادن به نظرات خود دانش‌آموزان و نیازهای واقعی آنها به آسیب‌های فوق دامن می‌زند.

نتایج دیگر پژوهش حاضر حاکی از آن بود که هر یک از آسیب‌ها پیامدهای ناگوار و جبران‌ناپذیری را بر سلامت تحصیلی و روانی دانش‌آموزان داشتند. شیوه‌های تدریس و کلاس‌داری نامناسب، جذاب و شاد نبود جو کلاس‌ها، سواد ناکافی معلم و عدم مهارت انتقال دروس، بی‌توجهی و برچسبی که به دانش‌آموزان ضعیف زده می‌شد، درک نکردن دانش‌آموز و شناخت ناکافی از ویژگی‌ها و شرایط جسمانی و روانی او و عدم توجه به استعدادها و شکوفایی آنها همگی سبب دلزدگی و کاهش انگیزه یادگیری و پیشرفت دانش‌آموزان می‌شدند. ناکارآمدی در مدیریت مدارس، وجود تنش و درگیری مخصوصاً میان دانش‌آموز با معلم و معاون، اطاعت محض از عوامل مدرسه، شیوه‌های تربیتی ضعیف و نادرست چون تحقیر، تبعیض، تهدید، تنبیه و همچنین اجبار و تهدید در انجام فرائض دینی، مهارت‌های ارتباطی ضعیف معلمان، معاونان و مدیران با دانش‌آموزان و خشونت که به دانش‌آموزان وارد می‌شد نه تنها دانش‌آموزان را دچار اضطراب، نگرانی، فقدان نشاط، کابوس دیدن، مدرسه‌گریزی و تنفر از عوامل خشونت می‌کرد، بلکه تأثیرات منفی در اجتماعی شدن آنها از جمله کاهش ارتباط آنها با دیگران و یا لجبازی در امور مختلف را نیز به دنبال داشت. هر چه رفتارهای نامناسب و توهین‌آمیز مدرسه بالاتر بود سطح بی‌زاری و تنفر دانش‌آموزان هم از مدرسه افزایش می‌یافت. ضمن اینکه محیط سرد و تنش‌آور مدرسه و کمبود امکانات و تجهیزیات نیز سبب باز ماندن دانش‌آموزان از رشد و پیشرفت و موفقیت بود.

از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر نبودن پیشینه پژوهشی از نوع پژوهش‌های کیفی به منظور به بحث گذاشتن بیشتر نتایج بود. لذا پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های کیفی بیشتری مخصوصاً با ابزارهای مشاهده و مصاحبه در این زمینه انجام شود. همچنین با توجه به نتایج آسیب‌های بعد آموزشی برگزاری سمینارها و کارگاه‌های آموزشی جهت افزایش مهارت‌های حرفه‌ای معلمان، معاونان و مدیران، بکارگیری روش‌های نوین و خلاقانه در تدریس و کلاس‌داری، بهره‌گیری از تکنولوژی آموزشی و تغییر در سیستم ارزشیابی از جمله کاهش تأکید بر نمره‌گرایی پیشنهاد می‌شود. با توجه به آسیب‌های بعد تربیتی و تعاملی بکارگیری شیوه‌های تربیتی صحیح و بهبود در شیوه‌های رفتاری با دانش‌آموز به همراه افزایش بینش و شناخت از ویژگی‌های جسمی، روحی و روانی دانش‌آموزان در هر مرحله از رشد و در هر مقطع تحصیلی؛ در بحث آسیب‌های محیطی-فیزیکی، توجه بیشتر به برنامه‌های مفرح و متنوع در مدارس و ایجاد فضای شاد و آرامش‌بخش، افزایش امکانات و بکارگیری تجهیزیات به روز در مدارس

و در نتایج مبتنی بر علت‌های آسیب‌های چهارگانه تغییر در سیستم‌گزینش معلمان و بهره‌گیری از متخصصان ماهر در امر گزینش معلم، بکار آمدن یک سیستم آموزشی و تربیتی قوی برای آموزش معلمان، معاونان و مدیران، بکارگیری مدیران و مسئولین خلاق‌تر و کارا تر در نظام تعلیم و تربیت، به کار آمدن یک سیستم نظارتی_ارزیابی قوی و دقیق بر کار مدارس و عوامل انسانی مدارس، کنار گذاشتن معلمان بی‌صلاحیت از چرخه نظام آموزشی، استفاده از نظرات و پیشنهادهای خود دانش‌آموزان و والدین، بکار آمدن سیستم ارزشیابی دانش‌آموزان از عوامل انسانی مدرسه و بهره‌گیری از نتایج آن و ارائه بازخورد به مدارس جهت رفع آسیب‌ها و بهبود شرایط پیشنهاد می‌شود.

تشکر و قدردانی

بدین وسیله از کلیه کسانی که قبول کردند در مصاحبه شرکت نمایند و حداکثر کمک علمی را به پژوهشگر جهت دستیابی به نتایجی مناسب و قابل اعتماد کردند، تشکر میشود.

References

- Abdoli A, Mirshah Jafari I, Liaghatdar M, Zaiaddine Meymand F. (2015). Pathology of teaching methods in the process of teaching learning from the perspective of teachers and students. *Research in Curriculum Planning*, 20(12): 117-132.
- Bashiri F. (2016). Pathology of equipment and technology issues of secondary schools in district 12 of Tehran. M.Sc. Thesis, Islamic Azad University.
- Bazargan Z, Lavasani M. (2003). Physical violence in school and strategies to prevent and reduce it. *Educational Innovations*, 6(2): 4-25.
- Bernal P, Qureshi J. (2016). Estimating effects of school quality using multiple proxies, *Labour Economics*, 30: 1-10.
- Darvishi L, Jafari P, Soleimani N. (2018). Pathology of effective factors in cultivating students' citizenship competencies. *New Educational Ideas*, 2(14): 77-104.
- Elbedour S, Alsubie F, Aluqdah Sh. (2020). Bawalsah school crisis management planning. *Children & Schools*, 42(4): 208-215.
- Garira E. (2020). Needs assessment for the development of educational interventions to improve quality of education: A case of Zimbabwean primary schools. *Social Sciences & Humanities Open*, 2(1): 1-7.
- Ghorchian N, Mahmoodi A. (2004). Development of performance standards for school principals. *educational innovations*, 2(3): 107-132.
- khoshidi R. (2013). Pathology of school management with a view to solar sociology. *Sociological Studies of Iran*, 11(5): 85-107.
- Koc A, Bastas M. (2019). Project schools as a school based management model. *Journal of Education and Teaching*, 4(9): 923-942.
- Lee J. (2012). The effects of the teacher student relationship and academic press on students engagement. *International Journal of Education of Research*, 53: 330-343.
- Main G, Marques J. (2021). Can schools and education policy make children happier? A comparative study 33 countries. *Child Indicators Research*, 14: 283-339.
- Nearchou F. (2018). Resilience following emotional abuse teachers. *Child Abuse & Neglect*, 78: 96-106.
- Pahang N, Mahdiyoon R, Yariqli B. (2017). Identifying factors affecting the quality of schools. *School Management*, 1(5): 178-193.
- Sezar S, Can E. (2020). School happiness a grounded theory education. *Policy Analysis and Strategic Research*, 15(1): 44-62.
- Sibel A, Gomleksi Noori M. (2018). Refugee students view about the the problems they at schools. *Education Reform*, 7(3): 45-58.
- Tabarsi H. (2000). Makarem Akhlagh. Qom: Sharif Razi.
- UNESCO (2005). Ducation for all: the quality I'm operative EFA global monitoring report.
- Yeigh T, Lynch D, Fradale P, Lawless E, Turner D, Willis R. (2021). Improving schools with blended learning. London: Routledge.

Pathology of Schools in Students' lived Experience from Students' Point of View

Mozhdeh Alizadeh^{1*}
HamidReza Ahavi²

Abstract

Purpose: The aim of this study was to investigate the circuit pathology in students lived experience from students' point of view.

Methodology: The research method was qualitative and phenomenological. The statistical population of the present study was all undergraduate students of Shahid Bahonar University of Kerman with 10440 students in the year 2020-2021, from which 18 people were selected according to the principle of theoretical saturation by purposive sampling method. The data collection tool was a semi-structured interview. The validity of the interview was achieved through careful asking questions, not using the researcher's personal opinions in the interview and confirming the participants' correct understanding of the researcher's experiences. The validity of the interview questions was confirmed by expert professors in the field of education. In order to confirm the reliability, the agreement was calculated through Pearson correlation coefficient of 96%. Thematic analysis method was used to analyze the data.

Findings: According to the research findings, damages caused by schools were placed in four main themes of education, training, interactive and environmental-physical, 12 sub-themes and 274 primary codes. The main educational topics include four sub-themes: weakness in teaching methods, weakness in content, weakness in the evaluation system and weakness in the professional competencies of the school human resources; The main educational theme includes two sub-themes: weakness in educational methods and weakness in religious education in particular; The main themes of interaction included sub-themes related to the weakness in the interaction of school human factors with the student and the main themes of environmental-physical, included two sub-themes of school space and the provision of facilities and equipment. Causes of damages include weakness in the system of selecting teachers and principals, lack of accurate and comprehensive planning, and so on. Consequences of damages also included dropping out of school, feeling anxious about school, decreased motivation to progress, and so on.

Conclusion: According to the results of the present study, the four educational, educational, interactive and environmental-physical damages caused inefficiencies and fundamental weaknesses in the education system, which require serious action to eliminate them and improve the status of the educational system. The results of the present study can provide the basis for reviewing and making fundamental changes in the education system.

Keywords: Pathology, schools, students, lived experience

¹ PhD Student in Philosophy of Education, Department of Educational Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Bahonar University, Kerman, Iran. (Author). malizadeh@ens.uk.ac.ir

² Professor of Philosophy of Education, Department of Educational Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Bahonar University, Kerman, Iran. hralavi@uk.ac.ir